

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛ شبکه های توجه گرافی (Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین مقاله نویسی IEEE و ISI ویژه فنی و مهندسی



ادب نامه حکیم نزاری در ترازوی نقد آزادگی و ادب اعتراض

علی محمد پشت‌دار^۱

فریده قندهاری ایبانه^۲

چکیده

«ادب اعتراض» یا «ادب ستیز» به آن دسته از آثار ادبی (نظم یا نثر) در ادبیات جهان اطلاق می‌شود که «به نوعی روح انتقاد یا اعتراض یا مقاومت شاعر یا نویسنده را در برابر عوامل تحمیلی اجتماعی و سیاسی حاکم منعکس می‌کند». سرنخ این نوع از ادب در آثار فارسی‌گویان در نوع کلاسیک به تصوف، اخلاق، حماسه، هجا و هنر برمی‌گردد. شاید هنر از میان انواع ادب عرصه بیشتری برای ارضای روح انتقادی و طنزآمیز ایرانی در طول هزار سال عمر زبان فارسی دری داشته است. نزاری قهستانی نیز از جمله پارسی‌گویان هم‌عصر سعدی است که در عنصر نصیحت الملوک منظومه ادب نامه را سروده و در آن با رعایت همه جوانب عقلی و دینی، حاکمان را به رعایت عدالت و گرامی داشت حقوق رعیت تشویق و ترغیب کرده است. شهامت و شجاعت شاعر در به کارگیری نعمت سحر بیان در امر به معروف و نهی از منکر از جمله مبانی ارزشمند ادب اعتراض و آزادگی است که در آثار نزاری و در این منظومه نقد و بررسی شده است.

واژگان کلیدی: نزاری قهستانی، ادب نامه، ادب اعتراض.

مقدمه

۱- ادب اعتراض چیست؟

ترکیب «ادب اعتراض» که تقریباً با مترادفاتى چون «ادب مقاومت» یا «ادبیات زیرزمینی» یا «ادب شورش» یا «ادب ستیز» در برابر «ادب سازش» در آثار ادب‌پژوهان و فرهنگ‌ها به تصریح از آن یاد شده است، از آن انواع ادبی نیست که در تقسیم‌بندی کلاسیک موضوعات شعر و ادب فارسی از آن یاد شده باشد؛ بلکه به نظر می‌رسد این نوع از ادب (نظم، نثر) از میان آثار گویندگان و نویسندگان پارسی‌گو به آن دسته از سروده‌ها و نوشته‌ها اطلاق می‌شود که «به نوعی روح انتقاد یا اعتراض یا مقاومت شاعر یا نویسنده را در برابر عوامل تحمیلی اجتماعی و سیاسی حاکم منعکس کرده است».

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

۲. کارشناس آموزش و پرورش منطقه ۷ تهران



در فرهنگ اصطلاحات چاپ و نشر زیر این عنوان آورده است «ادبیات اعتراض (=protest literatur): ادبیاتی که هدف از انتشار آنها اعتراض نسبت به چیزی، معمولاً در اعتراض به اوضاع سیاسی نوشته می‌شوند. (پورممتاز، ۱۳۷۲: ۳۵۹)

این مسأله خاص شعر و ادب زبان فارسی نیست بلکه «بخش عظیمی از شاهکارهای شعر جهان، شعر «اعتراض» است: شعر خیام اعتراض است به کارگاه خلقت «جامی است که عقل آفرین می‌زندش»، شعر حافظ اعتراض است به کارگاه خلقت و کار محتسب نیز «محتسب شیخ شد و فسق خود از یاد ببرد» شعر سنایی نیز در قلمرو «زهد و مثل» غالباً شعر اعتراض است و این اعتراض لحنی درشت و ستیهنده دارد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۳۹)

سر نخ این نوع از ادب را در تقسیم‌بندی کلاسیک انواع شعر فارسی می‌توان یافت. متقدمان شعر (=ادب) را براساس موضوع و محتوا به انواع ۱۶ گانه زیر تقسیم کرده‌اند: مدح، رثا، وصف، تصوف، اخلاقی، فلسفی، روایی، غزل، خمربه، مناظره، حسب‌حال، حماسه و مفاخره، شکوی و شکایت، اعتذار (= سوگندنامه‌ها)، هجا و هزل و مطایبه، لُغز و معما.

۲- مبانی اندیشگی آزادی و ادب اعتراض

از میان انواع مضمون شعر و ادب در زبان فارسی می‌توان گفت که ادب اعتراض بیشتر وام دار موضوعات آموزه‌های دینی، تصوف، اخلاق، حماسه، هجا و هزل بوده است.
۲-۱- دین؛

دین مبین اسلام و دستورات اجتماعی و اخلاقی آن در متن قرآن کریم از سرچشمه‌های اصلی اصلی تولی و تبری یا به عبارتی جاذبه و دافعه یا رذایل و فضایل یا معروفها و منکرات در رفتار و گفتار هر مسلمان است.

هر مسلمان عامل به دستورات قرآن و مجری عملی سیره نبوی (ص) به تربیت و اخلاقی هدایت می‌شود که ظاهراً و باطناً از آنچه خدا در قرآن حمایت کرده پیروی می‌کند و از آنچه حق نهی فرموده، دوری می‌جوید. اگر مسلمانی در نماز آیه «ایاک نعبد» بر زبان جاری می‌کند، در عمل هم باید از هرچه غیر اوست طمع کمک ببرد و فقط از او استمداد بخواهد.



اصل ایمان به یگانگی خداوند (= توحید) اصلی اصیل و قرآنی است که مبنای اخلاق و ادب هر مسلمان است
اصل توحید در سوره حمد و حرکات و اذکار نماز جاری و ساری است؛ سنگ بنای اخلاق اسلامی هر مسلمان
همین توحید و ایمان به یگانگی خداست در همه امور و در همه احوال و در همه جا.

آیات اخلاقی بسیاری در قرآن که مبنای تربیت اسلامی و زهد و عرفان قرار گرفته است.

اجمالاً می توان نتیجه گرفت که اصول و مبانی اخلاقی و تربیتی نشأت یافته از قرآن پایه و مایه ای برای
تولد مضامینی در اشعار شاعران و ادیبان مسلمان شده که از زاویه ای می توان به آن «ادب اعتراض» گفت:
اعتراض به آنچه غیر خداست (والضَّالِّینَ) و حمایت و نکو داشت (أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ).

۲-۲- تصوف :

ادب و آداب صوفیانه از همان زمان نشو و نما در ایران از کوفه و بصره تا بلخ و بخارا آموزه هایی انسانی
و اسلامی در میان اهل تصوف و به تبع آنها در میان مردم رواج داد که استغناى روحی و خوار شمردن دنیا و
زخارف آن برجسته ترین این روحيات بود، نگاه عمیق به دنیا مافیها و باور داشتن این که هر ظاهری را باطنی
است، توکل در امور زندگی، صبر پیشه کردن، و ... همه عناصری است که به هر حال از زهد اسلامی
سرچشمه گرفته و در میان متصوفه از مبانی تربیت به شمار می رفت.

۲-۳- اخلاق و طریق معنوی:

مبانی اخلاقی خواه مبتنی بر فضائل چهارگانه (حکمت و شجاعت و عفت و عدالت) برگرفته از آثار ارسطو
باشد، خواه برگرفته از دستورات اخلاقی قرآن و سیره نبوی (ص) و اهل بیت (ع) خود نمونه هایی ممتاز از
رفتار با گروه ها و طبقات مردم است که تحت عناوین اخلاق عملی و نظری از آن یاد می شود، که تا روز
قیامت برای هدایت بشریت کافی است. مبانی اخلاقی برگرفته از قرآن و عترت پیامبر (ص) آن قدر عمیق
است که اگر عسری از آن به فعل درآید اساساً رذایل برچیده می شود و فضایل به کمال در نوع بشر شکوفا می
گردد.

۲-۴- حماسه :

نوع ادبی حماسه با موضوع شرح پهلوانی ها و شکست و پیروزی های یک قوم، به طور مشخص برای ما
ایرانیان در اثری سترگ و ماندگار چون شاهنامه فردوسی ظهور و بروز یافته است.



شاهنامه و شخصیت فردوسی همواره برای ما ایرانیان نماد استقامت، پایداری، افتخار و استقلال در ذهن و عین بوده است، عنصر حماسه در زبان فردوسی یعنی روح آزادگی و عزت نفس، مبارزه با ظلم و فساد، حمایت از مظلوم، فتوت، عیاری، قلندری همه این مضامین در شاهنامه فردوسی درخور توجه و تأمل است.

رواج شاهنامه در طول هزار سال در میان ایرانیان یعنی در حقیقت رواج همه صفات و ویژگی های فوق الذکر در ذهن و زبان ایرانی.

۲-۵- هجا و هزل :

از میان انواع ادب، شاید عرصه گسترده تری برای ارضای روح انتقادی و طنز آمیز ایرانی در هزار سال گذشته بوده است. «روشن است که شوخ طبعان و مسخرگان نه احمق بوده اند و نه طبعاً تند خوی و دشنام گوی، بلکه بر عکس، غالب آنها مردمانی حساس و لطیف ذوق و نکته سنج و فرهیخته بوده اند که با دیدن پریشانی و ناهنجاری اجتماع و ضعف اخلاقی مهتران، خشم و غضب خود را در آثار خویش منعکس می ساخته اند (حلبی، ۱۳۶۰: ۱۱) رفتار هجا و هزل که صورت مبالغه آمیز طنز است، اولاً از روحی مستغنی و متکی به خود سرچشمه می گیرد، یعنی آن که حرکت و رفتار دیگری را با آهنگی طنز آمیز یا هجو آمیز و بعضاً هزل گونه پاسخ می گوید، فردی است با اعتماد به نفس و مطمئن از خود و دلگرم به استواری مرام و مسلک خویش. ثانیاً عموماً حرکت طنز و هزل و هجا از روحیه ای شاد سرچشمه می گیرد؛ اگر مبالغه نباشد قوم ایرانی، قومی شاد و طنز و در طول تاریخ حتی در مواردی که مبتلا به بلایای انسانی و طبیعی بوده، از خود روحیه ای شاد و با اعتماد به نفس و مستقل نشان داده است. عناصر ارزشمند دعوت به شادی در آثار ادب فارسی آن قدر زیاد است که خود می تواند موضوع اثری مستقل گردد.

داشتن دو ویژگی اعتماد به نفس و شادمانگی که خود هر دو محصول آگاهی و دانایی است، به شخص یا به قوم این شهامت را می دهد تا نسبت به ناراستی و نادرستی در امری یا سخنی از کسی یا کسانی، زبان به انتقاد بگشاید و در پاسخ به آن حرکت و سخن نابجا به طور مستقیم یا غیر مستقیم نادرستی و انحراف عامل را به او گوشزد نماید. روح انتقادی و طنز آمیز قوم ایرانی، در خلق این نوع از ادب تاثیر بسزایی داشته است.

ایرانیان در تاریخ تمدن طولانی خود- همراه با حواث تلخ و شیرین آسمانی و زمینی - چند ویژگی خاص پیدا کرده اند از جمله: هوشمند، معنی یاب، صاحبدل، نقاد، موشکاف و دلی شاعر و روحی حساس و حالتی رندانه و زرنگ و شوخ طبع و گاه هفت خط ...

«این قوم گاه در رهگذر تاریخ کهنش با مضحک ترین اشکال و به دست احمق ترین اشخاص گرفتار بوده است، این ملت نکته سنج و صاحبدل با خوش سخنی که در شرایط اختناق بر حاکمان وقت دستی نداشته و



زبان‌ش نیز یارای سخن گفتن آزاد و صریح نبوده، و مجال فریادی هم نداشته، خواه و ناخواه با روحیه ای لطیف و هوش تیز در تنها جولانگاه ممکن اظهار نظر کرده و خودی نشان داده است؛ در این میدان بوده که در لطیفه ساختن و ظریفه پرداختن و خرده گیری های موشکافانه و نکته سنجی های زیرکانه و پوشیده تاختن و پنهان گفتن و رندانه دست انداختن و کنایه و ابهام و ابهام و مجاز و استعاره و دم شبیه به مدح و مدح شبیه به دم، عقده گشایی کرده است. گاه حال را به گذشته برده و حسابش را رسیده و گذشته را به حال کشانده و در پس تعبیرات و توجیهاات و پرسوناژهای آن از تیررس «حالین» مخفی شده و در سنگر دین و تاریخ و قصه و اسطوره و عرفان و تصوف و زهد و انزوا به کمین نشسته و از پشت پرده های رنگارنگ شعر و شوخی و ضرب المثل و معانی و بیان و صنایع لفظی و معنوی بدیع بی شمار به سوی حریف به ظاهر مسلط تیراندازی کرده و با هزاران «لطایف الحیل» دیگر به روحیه ای زیبا دست یافته و فرهنگی سرشار از لطافت و طنز و هزل و هجا و نقد ساخته به طوری که هم توانسته سخن و حرف دل خود بر زبان آورد و آن را در دل عقده نکند و هم حریف را سر جای خود نشانده است. (شریعتی ، ۱۳۷۹ : ۳۰۶ - ۳۰۵ ، با تصرف)

سعدی (ف : ۶۹۱۰) با یکی از همین شگردهای زبانی (خطاب به خود) در اصل خطاب به پادشاه و مداحان درباری می گوید :

به راه تکلف مرو سعیدیا	اگر صدق داری بیار و بیا
چه حاجت که نه کرسی آسمان	نهی زیر پای قزل ارسلان
مگو پای عزت بر افلاک نه	بگو روی اخلاص بر خاک نه

(بوستان : ۶۴)

۳- ادب اعتراض از آغاز شعر فارسی دری

زبان فارسی دری از وقتی در آثار مکتوب قرن سوم و چهارم هجری به به کار گرفته شد ، در میان تحصیل کرده‌های (شاعران، نویسندگان، عالمان دینی، فلاسفه و...) ایرانی تا حدود زیادی از حیث محتوا متأثر از زبان عربی بود، به ویژه شاعرانی که پس از آشنایی چند صد ساله با دیوان اشعار عرب جاهلی و اسلامی، در همان قوالب و اسالیب اشعار عربی شعر فارسی دری سروده بودند، بدیهی است که در این رهگذر هم در شکل و ساخت شعر و هم در محتوا از اشعار شاعران عرب متأثر شده باشند.

پارسی گویان نخستین از مضمون های «مدح» و «وصف»، «اخلاق»، «زُهد»، «هجا» و «هزل» با اتکا بر آموزه‌های قرآنی و سخنان پیامبر(ص) و فرهنگ ایرانی، دیگر به وصف صوری مظاهر طبیعت و ممدوح حاکم نپرداختند، بلکه صلاح در آن دیدند مظاهر ارزشمند اخلاقی و سجایای انسانی چون آزادگی، عزت، زهد و... را



بستایند. از زهد و هجا به عنوان وسیله‌ای برای تقبیح دنیاپرستان ستمگر و نیشخندزدن به ایشان سود جستند و اسالیب امر و نهی و تحذیر و... قرآنی را به منظور اصلاح کجروی‌ها و ناراستی‌های سیاسی و اجتماعی در بیان خود وارد کردند. از اینجاست که «ادب اعتراض» بر پایه همان انواع ادب رسمی با فرهیختگی ادبا و شاعران و اندیشمندان ایرانی شکل گرفت.

با استناد بر مطالب بالا، همه‌اندیشمندان ایرانی در ظهور این نوع ادبی در زبان فارسی سهیم بوده اند، اما آن دسته از شاعران و نویسندگانی که به صراحت آثاری در «ادب اعتراض» آفریده‌اند، بی‌شک سهم بیشتری در طلایه‌داری این هنر داشته‌اند.

در قرن چهارم و پنجم به‌طور برجسته سنایی غزنوی برجستگی بیشتری دارد.

وی مضامین اشعار اخلاقی و شرعی را گرفت و به تبلیغ آزادی و آزادگی و تقبیح رذایل اخلاقی و انتقاد از ناراستی‌ها و نادرستی پرداخت به تعبیر قرآن «الذین یُلِغُونَ رِسالَاتِ اللّهِ وَ یَخْشَوْنَہُ وَ لَا یَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللّٰهَ وَ کَفٰی بِاللّٰهِ حَسِیْبًا» (احزاب / ۳۹). سنایی قطعاً از طرز برخورد پیامبر(ص) با شاعران عصر خبر داشته و اخبار و احادیث مربوط به این بخش را دیده و شنیده است، سخنی چون «شعر شما همچون تیر بر دشمنان کارگر است» که از پیامبر(ص) روایت شده است. (شهیدی، ۱۳۶۵: ۱۸۹) یا سخنی چون «وَ اِنَّ لِلّٰهِ کُنُوزًا تَحْتَ الْعَرْشِ مَفَاتِیْحُہُ السِّنۃُ الشَّعْرَاءُ» یا «الشَّعْرَاءُ اُمَرَاءُ الْکَلَامِ» (شهیدی، همان: ۱۰۹) و «اِنَّ مِنَ الشَّعْرِ لِحِکْمَہُ» (فروزانفر، ۱۳۹۹: ۲۴) این مضامین در روح و اندیشه

اصلاح طلبانی چون سنایی این گونه آمده است:

بامداد «ایاک نعبد» گفته‌ای در فرض حق چاشتگه خود را مکن در خدمت دونی حقیر

(دیوان: ۲۸۹)

ایشان با اعتقاد به آموزه‌های قرآنی و سخنان پیامبر(ص) و روحیات مثبت انسانی خود، در برابر شاعران مدّاح و شعرفروش که ارزش سخن و سخنوری را نادیده گرفته بودند و دانش و بینش خود را در مسیر تکدی و دربوزگی به کار آورده بودند، مقاومت نشان دادند و آنها را از ادامه این مسیر بازداشت و خود نیز به تقبیح و نکوهش هرگونه ظلم و ناروایی و نامردمی پرداخت.

ناصرخسرو (۳۹۴-۴۸۱ هـ.ق) از جمله آغازگران این نوع «ادب» در عرصه شعر فارسی است. وی که عقاید خود را در شعر و شاعری به جدّ منظور نظر داشت و حاضر نبود برای کسب معاش «شعر و شاعری» را که ارزش آسمانی داشت نثار هر دون و ظالم مفتون به شراب و کباب و رباب بنماید، بنابراین مسیر شعر و شاعری را تغییر داد و خود در این راه تا پایان عمر استوار و مصمم پیش رفت، آنجا که فرموده است:



- اکراه از سرودن شعر و پیام در باری (= درگاهی)

حکمت بشنو ز حجت ایراک او هرگز ندهد پیام درگاهی

(دیوان ق ۴۷ ب ۲۲)

حکیم آنست که او از شاه ندیشد نه آن نادان که شه را شعر گوید تا مگر چیزیش فرماید

(همان: ق ۱۹)

- ای شعر فروشان خراسان!؟

ای شعرفروشان خراسان بشناسید این ژرف سخنهای مرا گر شعرا بید
 یکتا نشود حکمت مر طبع شما را تا از طمع مال شما پشت دوتا بید

(همان: ق ۲۱۳)

- اکراه از فرمانبری شاهان و پرهیز از خوشگذرانی؟

سرم زیر فرمان شاهی نیارد نه تختی نه گاهی نه رودی نه جامی

(همان: ق ۱۰۰)

پس از ناصر خسرو سنایی غزنوی (۴۶۷-۵۲۹) است که دنباله شعر شرعی را می‌گیرد و به نوعی به مقابله با شاعران مداح و شعر فروش می‌پردازد.

اما در قرن هفتم با ظهور مغول و سقوط حاکمان ایرانی، اوضاع و عرصه بر سخنوران تنگ تر می‌شود و شاعران پارسی گو که احساس مسئولیت شعر شرعی را به دوش می‌کشند، در کنار زهد و عرفان و زبان صوفیانه، عنصر دیگری در شعر فارسی را قوت می‌بخشند و آن زبان پند و نصیحت و درآمدن از در نصایح قرآنی و سخنان انبیا - علیهم السلام - و ائمه دین است به همه احاد اجتماع، به ویژه نصیحت به ملوک و حاکمان وقت.

سعدی در میان شاعران پارسی گو در این مورد ممتاز است. او در همه آثارش در بوستان در باب نخست (= در عدل و تدبیر و رأی) و در گلستان نیز در باب اول (= در سیرت پادشاهان) و در رسایل (= نصیحه الملوک و در تربیت یکی از ملوک) به هر مناسبت از حاکمان وقت رعایت جانب عدل و انصاف در حقوق رعیت را تذکر داده و با استناد به قول خدا و انبیا و بزرگان دین سخن خود را به طور مستقیم یا غیر مستقیم به سمع شنونده رسانده است.



البته یادآور می شود که عقاید سعدی و بعد از او افرادی چون نزاری قهستانی در تعریف «اولوالأمر» بر اساس عقیده عمومی جهان اسلام - اهل سنت - است که با عقاید شیعه و ائمه هدی - علیهم السلام - قابل نقد است، اما به هر حال غرض در این مقاله پرداختن به اشعار حاوی دفاع از فضایل و طرد ردائیل در جامعه انسانی و اسلامی است، که این افراد مانند سعدی و نزاری قهستانی در آن فضا و شرایط خاص دست از انجام این تکلیف و مسئولیت الهی برنداشته اند و با درایت و حزم عاقلانه، فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر را تعطیل نکرده اند.

ادب آزادی حمایت از فضایل و ترویج ارزش های دینی و مکتبی است و ادب اعتراض، اعتراض به ناراستی ها و بی عدالتی هاست در هر شکل و نمود و نمادی که هست، اگر ملاک ما در نقد شعر شاعران این آیت قرآن کریم باشد که فرمود: «وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ... وَ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ» (شعرا/۲۲۶، ۲۲۴)، «شاعران یاهو سرا را مردم جاهل و گمراه پیروی می کنند ... و ایشان بسیار سخنان می گویند و یکی را عمل نمی کنند»؛ «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (شعرا/ ۲۲۷) به جز آنان که ایمان آوردند و کارهای نیکو به انجام رساندند»، و شاعرانی چون نزاری قهستانی در گروه دوم یعنی گروه شاعران صالح و مؤمن قرار می گیرند، چه ایشان با سلاح شعر و سخن به دفاع از حقیقت و نشر حقایق دینی و معنوی و دفاع از مظلوم و دفع ظلم و افشای بی عدالتی پرداخته اند.

۴. آزادی و ادب اعتراض در شعر نزاری قهستانی

مکن خدمت پادشا اختیار محیط است و گرداب هم بر کنار

(نزاری، ۱۳۹۲: ۱۱۵)

نزاری قهستانی (۷۲۰-۶۴۵ ه.ق) از شاعران توانمند و مایه ور پارسی گو در قرن هفتم و اوایل قرن هشتم است. سبک شاعری و محتوای فکری او شاید از میان شاعران بزرگ به سعدی شیرازی بیشترین شباهت را دارد و البته این شباهت در علایق و طرز نگاه او به شعر و شاعری و اساساً به دنیا و هستی و دین و دیانت و سیاست بستگی دارد؛ ولی هم در ساحت هنری، یعنی شاعری و هم در ساحت موعظه و پند و اندرز به خود و اطرافیان تا شخص اول کشور، یعنی حاکم، بسیار به شیوه سعدی نزدیک است، مخصوصاً در اثر مستقل خود با عنوان «ادب نامه» کاملاً به سیره سعدی عمل کرده است. منظومه ادب نامه در بحر متقارب و هم وزن بوستان



سعدی است و مضامین و محتوای آن قابل مقایسه و نقد است با «نصیحة الملوك» سعدی که از رسایل منشور کلیات اوست، به طوری که نزاری همچون سعدی خود را موظف و مکلف می بیند که این گونه رفتار کند:

۱. اساس فکرت انسان مؤمن و خداشناس توحید است:

سپاس و ستایش خداوند را خداوند بی مثل و مانند را

جز او را مبین چون جز او نیست کس بدو در گریز از همه اوست بس

(نزاری، ۱۳۹۲: ۱۹)

۲. ایمان به رسالت حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص)

به از خاتم انبیا مصطفی حبيب الله آن گنج صدق و صفا

(همان: ۲۰)

۳. حُبّ اهل بیت (ع) و تمسک به ظلّ عنایت ایشان:

گرت راه باید به اهل صفا طلب کن ز ذریّه مصطفی

(همان: ۲۰)

۴. بنا به عقیده عمومی در میان اهل سنت و نظریه عمومی ولایت و حکومت پس از رحلت حضرت

رسول (ص) جامعه ایرانی تا عصر صفویه شرایط دیگری دارد که با مبانی فکری شیعه در باب حکومت متفاوت است، و نزاری با اعتقاد به این جریان عمومی اول شاه را «ظلّ الله» می داند و اولوالامر:

ز فرمان سلطان که ظلّ خداست اگر ذره ای سر پیچی خطاست

ز محض صفا کن توّلّا به شاه که خورشید ملک است و ظلّّ إله

(همان: ۲۰)

نزاری پس از حمد و شکر و سپاس ثنای اولوالامر واجب شناس

(همان: ۲۰)

۵. نزاری برای این حاکم که ظلّّ إله و اولوالامر است صفات و شرایطی بر می شمرد که وی باید حایز

این صفات ارزشمند باشد:

۱. سلطان یزدان پرست باشد:



سر از طاعت شاه یزدان پرست مکش تا توانی ز عصیان برست

(نزاری: ۲۰)

۲. مَلِک، عبد خدا باشد:

مَلِک گر بود بر در کردگار میان بسته پیوسته مملوک وار
هرآن کس که بر ملک باشد امیر نمی باشد از دین پاکش گریز

(نزاری: ۲۷)

۳. اصل مُلک دین است و مَلِک پاسبان دین است:

که دین اصل ملک است و اصلی متین بود پاسبان، مَلِک بر بام دین

(همان: ۲۷)

۴. دین اساس مملکت و چون جان در تن است:

به دین مملکت را توان داشتن مُحال است تن جز به جان داشتن

(همان: ۲۷)

۵. پادشاه باید بر منهج مستقیم (= دین) باشد و از کژروی (= ظلم) بپرهیزد:

اگر هست بر منهجی مستقیم نشان صلاحی بود بس عظیم
وگر خود بود عادتش کژروی دلیل فسادی شمر بس قوی

(همان: ۲۸)

۶. پادشاه باید پاکیزه خُلق و پاکیزه خو باشد:

نزاری به شاهی سزاوار اوست که پاکیزه خُلق است و پاکیزه خوست

(همان: ۴۰)

۷. پرهیز و گریز از پادشاهان بدخو، تندخو، حسود، بیهوده گو، بی خرد، بی اصول و ...:

از آن پادشاه ای برادر گریز که خودکام و تندست بد دام و تیز
وزان هم که از فرط ناز و نعیم کند بار خشم تنعم دو نیم



وزان هم که دارد حسد در نهاد بَرَد آبت از روی، نانت نداد
 وزان هم که هر لحظه و هر زمان به بیهوده بگشاد دست و زبان
 اگر خود بود شاه پاکیزه رای به ترتیب هر چیز بنهد به جای
 وگر بی خرد باشد و بی اصول ز ناصح ندارد نصیحت قبول

(نزاری: ۴۰)

اساس نظر شاعر نصیحت گر در شش بیت بالا در باب پادشاه ناباب و ناصواب آمده است، یعنی کسی که این چنین صفاتی دارد، ابدأ نباید حاکم اجتماع انسان یا جامعه مسلمان باشد، از چنین کسی توقع انصاف و عدالت و خردمندی نبوده و نیست، و پیداست که اجتماع ایرانی به ویژه در عصر مغول و اتابکان اغلب گرفتار این نوع از حاکمان است تا آن نوع آرمانی و اسلامی که تا حدودی حایز ارزش های دینی و مردمی است.

۸. پرهیز از شاه ستمکار:

اگر مبتلای ستم کاره شاه به خدمت شدی زندگانی خواه
 چو بی رحمت آمد خداوندگار به بخشایش او توقع مدار

(همان: ۶۶)

۹. خطر مجالست با شاه:

چو رتبت به شاهت زیادت بود خطر لازم آن سعادت بود

(همان: ۸۴)

۱۰. ادای وظیفه و نصیحت گری:

نصیحت گرفتن به تقصیر باز به گفتن به هنگام تدبیر راز
 نصیحت نه تنها مثال است و پند به انواع دیگر بُود سودمند

(همان: ۷۰)

نزاری چو مشغول وعظی و پند تکلف به تقلید بر ما میند

(همان: ۹۷)



۱۱. دفع تهمت از خود در حضور شاه و اظهار آزادگی و بی رنگی:

اساس سرودن این منظومه با عنوان «ادب نامه» دفع تهمت از ساحت خود شاعر بوده است، طبیعی است در اجتماع آن زمان با توجه به احوال طبقات و گروه های وابسته به دربار حاکم وقت در قهستان - علی شاه - بازار تهمت و افترا گرم بوده است. روحیه قناعت و دانش ورزی و هنرمندی که در نزاری غلبه داشته موجب حسادت حاسدان و ناکسان شده و از او نزد علی شاه حاکم قهستان سعایت کرده اند، او هم برای دفع شبهه و ردّ این ظلم «ادب نامه» را سرود و به اجبار مطالبی در مدح و ثنای شاه مذکور آورد، اما در ضمن بیان ردّایل و ناروایی هایی که در حق او شده بود، دست از رسالت انسانی و اسلامی خود برنداشت و در ضمن دفع شرّ و کید فریب کاران، همچون سعدی با زبانی هنرمندانه شخص شاه و اطرافیان را از ارتکاب زشتی ها بازداشت و به فضایی چون هنر، دانش، سخاوت، گذشت، قناعت، محبت و دوستی و همّت و آزادگی دعوت نمود:

۱. دفع تهمت:

چون در معرض تهمت افتاد مرد هبا گشت هر کار و خدمت که کرد
نخوانند جز خائن و حاسدش همه نقد عزّت شود کاسدش

(نزاری: ۷۸)

۲. من خطایی نکردم اما حاسدان حسد بردند و بدگویی مرا نزد شاه روا داشتند:
بحمدالله از من خطایی نرفت به ایزد که روی و ریایی نرفت
ولی حاسدم داشت فرصت نگاه مزاج عنایت بگرداند شاه

(همان: ۱۱۰)

۳. از دنیا و اهل آن وفا مجو:

ز دنیا و اهلس نباید وفا درین خنب بی دُرد نبود صفا

(همان: ۱۱۰)

۴. منش قناعت و پرهیز از کارهای دیوانی بود:

من از مملکت یک طرف داشتم که نقد قناعت به کف داشتم
به اشغال دیگر نپرداختم همین شیوه دستور کار خود ساختم



انیسم چو بودی به کنج التفات زبان قلم بود و کام دوات

(همان: ۱۱۰)

۵. نوکران دربار همه طالب حُطان دنیایی اند:

دگر نوکران داشتندی مدام نظر بر نظام حصول حُطام

به رسم جهان مولع جاه و مال به ضبط امور و کسب منال

(نزاری: ۱۱۰)

۶. اَمّا من به این امور توجهی نداشتم و هم‌رنگ ایشان نبودم:

از این ها نیارستمی هیچ کرد بترسد از آزردن آزاد مرد

چو هم‌رنگ ایشان به ظلم و به داد نبودم از آن کار بر من فتاد

(همان: ۱۱۱)

۷. آزادگی و یکرنگی نزاری:

خوشا وقت مردان یکروی و رنگ برون رفته از معرض نام و ننگ

بریده ز کلّ علایق طمع گرفته کم خمر و ترک ورع

شده چون حبیب خدا مردوار به نان جوین قانع از روزگار

(همان: ۱۱۱، ۱۱۲)

۸. تا توانی دلی به دست آر:

به دست آر دل، طاعت این است و بس دل اهل دل، اصل دین است و بس

(همان: ۸۲)

۹. از گستاخی و بی حیایی پرهیز کن، که ناکس، کس نمی گردد از این بالا نشینی ها:

به گستاخی و بی حیایی مکوش به ناراستی پُر مکن چشم و گوش

اگر خائنی مُدبری ناکسی لئیمی بدآموزگاری خسی



محلّی و مالّی جاهی بیافت ز هر کس بکند و ز هر در بکافت
به رُبت گذشت از خصوص و عموم نیاید بلی بوی عنبر ز تُوم
ولیکن به آخر ز هم بگسلد نیبوندد و دم به دم بگسلد

(همان: ۸۵)

۱۰. پرهیز از دشمنی و ترغیب دوستی:

ز من بشنو ای یار پندی نکوست نه انگیز دشمن، نگه دار دوست
به عمری توان کرد یاری به دست چو کردی تو باری مدارش ز دست
به از دوستی در جهان کار نیست فرد دشمن انگیز را یار نیست

(همان: ۸۹)

۱۱. ستایش دانش:

گرانمایه تر گوهر اندر جهان بود دانش آشکار و نهان
به دانش گرت هست بر چرخ راه فزونی روا نیست بر پادشاه

(همان: ۹۰)

۱۲. ستایش سخاوت:

سخاوت درختی است فرخنده بار که هر روز بر می دهد چند بار
سخا کلّ عالم مسخرّ کند دماغ دو گیتی معطرّ کند

(همان: ۹۶)

۱۳. بنای محبّت ماندنی است:

جهان را نه سر راست بینی نه پای بنای محبّت بماند به جای
نزاری کسی راست این دسترس که همّت ز کونین بیرید و بس



کند روی یک روی در دوست شود پاک چون خاک در کوی دوست

(همان: ۱۰۱، ۱۰۰)

۱۴. ستایش همّت:

به همّت بر افلاک و انجم خرام که معکوس سر زیر باشد مدام

به همّت توان کارها پیش برد خداوند همّت به غفلت نمرود

به همّت رسیدند مردان به کام چون بی همّتان جان مکن والسلام

(نزاری: ۱۰۲، ۱۰۱)

۱۵. آزادگی نزاری:

خوشا وقت مردان یک روی و رنگ برون رفته از معرض نام و ننگ

بریده ز کلّ علایق طمع گرفته کم خمر و ترک ورع

خلیلانه آتش برافروخته تر و خشک هستی خود سوخته

ز فرعون بیریده همچون کلیم زده نیل غالی و قاصر دو نیم

چو عیسی ز اُمت تبراً زده سُم خر ز بهر خران وازده

(همان: ۱۱۱، ۱۱۲)

نتیجه:

آزادگی و ادب اعتراض در ادبیات فارسی از مضامین اصیل قرآن و معارف نبوی (ص) و ائمه هدی (ع) سرچشمه گرفته به طوری که از همان آغاز ظهور اسلام بهره گیری از سحر کلام و نعمت سخنوری در خدمت به ارزش های دینی و معنوی دستور قرآن کریم و خواسته نبی اکرم (ص) بود، شاعران و گویندگان مسلمان عربی و پارسی گوی از آغاز با نظر به چارچوب عقاید ناب اسلامی رسالت ابلاغ حقایق را بر دوش گرفتند و در این راه ارزش شعر و سخن خود را در مسیر کلام الهی و سخنان انبیا قرار دادند. شاعران حکیم پارسی گو از فردوسی تا ناصر خسرو و حکیم سنایی تا سعدی و مولانا همواره قدر سخن و مقام آسمانی آن را زیر پا نگذاشتند و در حفظ حریم ارزش های انسانی و ترویج فضایل، گوهر سخن را نثار پای دون همتان و نااهلان نکردند، از پیروان این مکتب و مشرب اصیل، حکیم نزاری قهستانی است که با تأسی از



تعالیم قرآنی و اسلامی و پیروی از شاعران حکیم و آزاده ای چون سعدی و ناصر خسرو در آثار خود به ویژه در «ادب نامه» با شمشیر کلام و سحر بیان به شرح آزادگی و بلندی همّت و نشر فضایل انسانی پرداخت و در این مسیر آنچه پرهیز و دورداشت و منهی دیانت اسلام بود، از آن پرهیز کرد و آنچه ترغیب و تشویق به معروف و نیکوداشت حقیقت و فضایل ارزشمند بود، رغبت نمود و دیگران را هم به آن تشویق و ترغیب کرد. شواهد و نمونه ها در متن مقاله در ترازوی نقد و نظر بررسی شد.

ادب اعتراض و ادبیات آزادی خلاصه شده در همین رفتار سنجیده و خردمندانه است که همواره در مدار توصیه دین و آموزه های وحیانی بوده است.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم، ۱۳۵۳، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، تهران: نشر صالحی،
- ۲- پورممتاز، علیرضا، ۱۳۷۲، فرهنگ جامع چاپ و نشر، تهران: مؤسسه نمایشگاه های فرهنگی، چ اول.
- ۳- حافظ خواجه شمس الدین، بی تا، دیوان، تصحیح غنی، قزوینی، تهران: زوار،.
- ۴- حلبی، علی اصغر، ۱۳۶۰، مقدمه ای بر طنز و شوخ طبعی در ایران، تهران پیک ترجمه و نشر: چ اول، .
- ۵- سعدی، بوستان، ۱۳۶۳، تصحیح محمد خزائلی، تهران: جاویدان، چ پنجم.
- ۶- سنایی، محدود ابن آدم، ۱۳۵۹، حدیقه، تصحیح مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران،.
- ۷- _____، _____ دیوان قصاید، بی تا، تصحیح مدرس رضوی، تهران: کتابخانه سنایی،.
- ۸- شریعتی، علی هنر، ۱۳۷۹، مجموعه آثار، تهران، حسینیه ارشاد، چ هشتم.
- ۹- شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۸۰، تازیانه های سلوک، تهران: آگاه، چ سوم .
- ۱۰- _____، _____، ۱۳۷۶، آینه ای برای صداها، تهران، سخن، چ اول .
- ۱۱- شمیسا، سیروس، ۱۳۷۲، سبک شناسی نظم، تهران: دانشگاه پیام نور، چ اول.
- ۱۲- شهیدی، سید جعفر، ۱۳۶۵، زندگانی فاطمه زهرا(س)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی چ ششم.



- ۱۳- عطار، فریدالدین، ۱۳۸۴، منطق الطیر، تصحیح سید صادق گوهرین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۴- قبادیانی، ناصر خسرو، ۱۳۶۵. دیوان اشعار، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۵- نزاری قهستانی، سعدالدین، ۱۳۹۲، ادب نامه، به کوشش محمود رفیعی، تهران: هیرمند، چ اول.

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛ شبکه های توجه گرافی (Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین مقاله نویسی IEEE و ISI ویژه فنی و مهندسی